

بسم الله الرحمن الرحيم

ورود در فقه معاصر یک مبنای اساسی دارد، بپذیریم دین برنامه زندگی است در پی آباد کردن دنیا و آخرت انسان است آن بحث و ادله موضوع را بیان کردیم.

بحث دوم با چه روشی اسلام و مکتب اهل بیت می گوید، فقه می تواند پاسخ گوی بشریت تا روز قیامت باشد؟ گفتیم یک مبنی، انفتاح باب اجتهاد است اهل بیت علیهم السلام حتی در زمان حیات خودشان باب اجتهاد را به روی کسانی از اصحاب که اهل اجتهاد و توان استنباط را داشتند نبستند. این سیره ثابت اهل بیت بوده و مراد اجتهاد به نحو صحیح استف اجتهای که می آموزد از چه روشی احکام بدست می آید

روایاتی را نقل کردیم که اهل بیت شیوه استنباط را به یاران و اصحاب خود آموزش داده اند

وسائل الشیعة؛ ج ۱، ص: ۴۶۴

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ عَثَرْتُ فَأَنْقَطَعَ ظُفْرِي فَجَعَلْتُ عَلَى إصْبَعِي مَرَارَةً فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِالْوُضُوءِ قَالَ يُعْرَفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ اَمْسَحْ عَلَيْهِ.

سند روایت

سند تا ابن محبوب درست است، و ابن محبوب، حسن بن علی بن محبوب، و ثقة است. علی بن حسن بن رباط، ثقة و مورد اعتماد است قال النجاسی ابوالحسن کوفی ثقة من اصحاب الرضا علیه السلام معول علیه له کتاب. شخص دیگری بنام علی بن رباط که در رجال امام باقر و در رجال امام رضا علیهما السلام یاد می شود وثاقتش ثابت نیست و غیر از حسن بن رباط که در این سند است و گفتیم ثقة است. در اسناد روایات اگر علی بن رباط گفته شود مراد علی بن حسن بن رباط است چون علی بن حسن بن رباط گاه با یک یا دو واسطه از امام رضا علیه السلام نقل روایت می کند و از امام کاظم علیه السلام با یک واسطه نقل روایت می کند ولی علی بن رباط فقط از امام صادق علیه السلام نقل روایت می کند؛ به هر حال این علی، علی بن حسن بن رباط است، ثقة و مشکل ندارد. عبدالاعلی مولى سام، در این که این شخص کیست محل اختلاف است. برخی از بزرگان گفته عبد الاعلی بن اعین عجل است، شیخ طوسی در رجال خود از او روایت دارد، شیخ مفید گفته از فقها و از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام است، و الاعلام و الرؤسا الماخوذ عنهم الحلال و الحرام و الفتيا و الاحکام و الذین لا یطعن علیهم و

لا طريق الى ذم واحد منهم. عبدالاعلی مطلق، در روایات عبدالاعلی بن اعین مولی آل سام است. پس تا اینجای روایت مشکلی نیست. آنچه را قصه را به وادی اشکال وارد می کند کلام محقق خویی است. محقق خویی می فرماید: عبدالاعلی آل سام غیر از عبدالاعلی بن اعین است در حالی که بزرگان دیگر مانند وحید بهبهانی در تعلیقه منتهی المقال می فرماید: شخصیت برجسته مورد قبول است. محقق خویی استدلال بر اتحاد رد می کند. مرحوم کلینی و شیخ طوسی تصریح می کنند عبدالاعلی بن اعین همان عبدالاعلی بن آل سام است پس دو خریط حدیث تصریح و اتحاد دارند. محقق خویی می فرماید: آری اسم عبدالاعلی آل سام، بن اعین است این همان است لکن تشابه اسمی است؛ تشابه اسمی در بین اشخاص زیاد می افتد لذا دلالت بر ثقه بودن نمی کند. ولی در نقد کلام محقق خویی عرض می کنیم اگر اتحاد نبود شیخ طوسی و مرحوم کلینی تصریح نمی کردند عبدالاعلی آل اعین با مولی آل سام یکی است. محقق خویی می فرماید: سلمنا اسم دو نفر است اما هر دو ثقه هستند به دلیل این روایت که - محقق خویی نقل کرده است - محمد بن عیسی بن عبید از علی بن اسباط از سیف بن عمیره از عبد الاعلی که همین مولی آل سام است نقل می کند «عن عبد الأعلى قال قلت لأبي عبد الله (ع) إن الناس يعيبون علي بالكلام و أنا أكلّم الناس فقال: أما مثلک من یقع ثم یطیر فنعم و أما من یقع ثم لا یطیر فلا.» می گوید مردم بر من خرده می گیرند چرا با دیگران درباره مسائل امامت و ولایت مناظره می کنم. امام علیه السلام می فرماید مثل تو که از عهده بحث بر می آید می تواند مناظره کند اما کسی که از عهده بحث نمی آید مناظره نکند. گفته شده این دلیل بر وثاقت او است محقق خویی در نقد می فرماید: اینکه امام علیه السلام راضی به مناظره او شده دلیل بر خوبی او است لکن در این حدیث عبدالاعلی درباره خودش گفته است و به عبارت دیگر تعریف از خود کرده است. دیگر اینکه شخصی در مناظره قوی باشد ولی ثقه در اقوال نباشد، آنچه مورد نیاز است وثاقت در اقوال است.

یلاحظ علیه

کسی که در دفاع از امام صادق علیه السلام و تابلو برای پیروان امام علیه السلام است امام صادق به شخص تابلو و اجازه مناظره می دهد - ملازمه ای بین خوب سخنرانی کردن و وثاقت نیست چه بسا در مناظره و سخنرانی قوی هستند اما در عمل وثاقت ندارد - در این مورد شخصی که در دفاع امام صادق علیه السلام وارد مناظره می شود و شخصیت تابلو است این جواز دال بر وثاقت است. پس اولاً عبدالاعلی آسام با عبدالاعلی آل اعین متحد است. ثانیاً، اگر هم متحد نباشد این روایت دلیل بر حسن او است. اما اینکه خودش روایت را نقل کرد اشکالی ندارد چون

وقتی شخصی چون محمد بن عیسی بن عبید روایت می کند موجب اطمینان می شود نقل عبد الاعلی آل اعین تعریف از خود نیست. در نتیجه روایت از جهت سند معتبر است.

دلالت روایت

آموزش روش اجتهاد توسط امام علیه السلام انجام شده است. پارچه ای روی زخم گذاشته سؤال می کند چگونه وضو بگیرد امام می توانست بفرماید وضوی جبیره ای بگیرد اما امام فرمود پاسخ این سؤال و مانند آن از کتاب قرآن را می توان فهمید «ما جعل الله علیکم فی الدین من حرج امسح علیه» امام علیه السلام اگر می خواست وضوی جبیره را بفرماید به «امسح علیه» اکتفی می کردند اما اینکه امام علیه السلام مستند را می فرماید چون می خواهد شیوه اجتهاد و استنباط را آموزش بدهد؛ اگر مسح بر بشره غیره مقدور است قاعده نفی حرج می فرماید اصل مسح ساقط نیست بلکه پارچه ای روی آن بگذار و بر آن پارچه مسح کند.

وسائل الشیعة؛ ج ۲۰، ص: ۵۳۴

وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ دُرُسْتِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَا يَنْبَغِي نِكَاحَ أَهْلِ الْكِتَابِ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَآيِنَ تَحْرِيمُهُ قَالَ قَوْلُهُ ﴿وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ﴾.

سند روایت

عنه یعنی کلینی از محمد بن یحیی عطار نقل می کند، کلینی حدود پنج هزار حدیث از او نقل می کند. احمد، بن محمد بن عیسی است. ابن فضال، علی بن فضال است، درباره خاندان فضال گفته شده خدوا ما رووا ذروا ما رأوا، یعنی نظر آنها را نپذیرید اما ثقه هستند. حسن بن علی بن فضال در آخر عمر از فطحی گری برگشت اما ابن فضال در سند علی بن فضال است. احمد بن عمر بن ابی شعبة الحلبي، نجاشی: ثقة روی عن ابی الحسن الرضا علیه السلام و آیه؛ یک روایت در کتاب تهذیب با عنوان احمد بن عمر دارد و با عنوان احمد بن عمر الحلبي سیزده روایت دارد. احمد بن عمر مشهور است. دُرُسْتِ واسطی، درست بن علی بن منصور است، از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت دارد واقفی است اما ابن ابی عمیر، بزنی از او روایت می کند محقق خوبی که در اسناد بسیار سخت گیر است او را در معجم رجال الحدیث او را توثیق کرده است، در سند هشتم روایت واقع است. علی بن رثاب، از روسای شیعه و ثقه است برادر او یمان بن زئاب از روسای خوارج است در سال سه روز را آشتی می کردند و این سه روز به مناظره درباره ولایت امام علی علیه السلام می گذشت. روایت در مجموع موثق است.

دلالت روایت

امام علیه السلام می فرماید نکاح با اهل کتاب جایز نیست و راوی سؤال می کند دلیل حرمت آن چیست؟ امام علیه السلام می توانست بفرماید گفته او مستند است اما آیه شریفه را قرائت فرمودند و با قرائت آیه مستند آن را بیان کردند که در عمل استنباط حکم از قرآن را آموزش می دهد. معنای آیه همسران کافره را در همسری خود نگه ندارید. تردیدی نیست روایت همسر مشرکه غیر کتابی را در بر می گیرد اما آیا همسر کتابی را شامل می شود یا نه بین فقهاء محل بحث است. روایت مستند کسانی که نکاح با اهل کتاب را جایز نمی دانند. محل شاهد ﴿وَلَا تُمَسِّكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ﴾، عصم جمع عصمت به معنای منع و به معنای نکاح و زوجیت است و برخی به معنای نکاح دائم است؛ چون زن را از ازدواج با هر شخص دیگری برای همیشه منع می کند و این ظهور در نکاح دائم دارد ولی برخی مانند مرحوم بروجردی نکاح با اهل کتاب را حرام نمی دانند. امام علیه السلام می توانست جواب ندهد و می فرمود چون حضرت ایشان می گویند ولی امام علیه السلام استناد به آیه شریفه کردند و با این کار شیوه استنباط را به زراره یاد دادند.